

مغولی به معنای برادر و خواهر بزرگ، فرمانده، نجیب، قدرتمند، عمو، جد، پدرزن و بزرگسال تر است.<sup>۲</sup> در زبان فارسی، آغا به معنای خاتون، بی‌بی، و بانوی حرم و کلمه‌ای احترام‌آمیز برای خادمان خواجه بوده است.<sup>۳</sup> این دو کلمه از زبان ترکی وارد زبان عربی شدند و عرب زبانان هر دو را به معنای «مرد بزرگوار» به کار بردند.<sup>۴</sup>

واژه آغا در اواخر دوران ممالیک چرکسی (حک: ۷۸۴-۹۲۲ق.) و نیز پس از قدرت گرفتن ترکان عثمانی، برای اشاره به شخص خواجه به کار می‌رفت. اما در حجاز خادمان خواجه حرمین شریفین را اغوات گفتند که پیشتر به طواشیه به معنای اخته<sup>۵</sup> مشهور بودند. در سده یازدهم ق. اغوات برای خادمان خواجه حرم به کار رفت و آغا بر شیخ حرم نبوی اطلاق گشت.<sup>۶</sup> گویا در کاربرد این نام برای خادمان خواجه مسجدالنبی، بزرگداشت خدمت به پیامبر لحاظ شده است. (تصویر شماره ۱۴)

◀ **پیشینه و علل استخدام اغوات:** به کارگیری بردگان خواجه در بسیاری از نقاط

۲. آینده (ماهنامه)، سال ۱۶، ص ۳۹۴-۳۹۹: Doerfer-Turkish v01, 1.

۳. لغتنامه، ج ۱، ص ۱۱۳، «آغا».

۴. تحفة المحبین، ص ۵۳: التاريخ التویم، ج ۴، ص ۲۶.

۵. المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۵۷۰: تاج العروس، ج ۱۷، ص ۲۴۸، «خصوص».

۶. تحفة المحبین، ص ۵۳.

بیت الله الحرام نهروالی داوری شده (برای نمونه: ص ۱۰۶، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۴۲) و گاه بر چگونگی تلخیص و فهم و گزارش عبارات از جانب عبدالکریم قطبی نقد و اشکال شده است. (برای نمونه: ص ۱۰۰، ۱۰۵)

### ◀ منابع

افساده الانام: عبدالله بن محمد الغازی (م. ۱۳۶۵ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۳۰ق؛ **التاریخ و المورخون:** محمد الحیب الهیله، مکه، مؤسسه الفرقان، ۱۹۹۴م؛ **تحصیل المرام:** محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، ۱۴۲۴ق؛ **معجم المطبوعات العربیه:** علی جواد الطاهر، ریاض، دار الیمامه، ۱۴۱۸ق.

علی احمدی میرآقا



### اعواف ← آبار علی

#### اغوات: خادمان خواجه حرمین شریفین

اغوات، آغوات و آغاوات جمع کلمه آغا و آغا است که به خادم خواجه حرمین می‌گفته‌اند. کلمه آغا از ریشه مغولی به معنای بانو، خانم و شاهزاده خانم<sup>۱</sup> و آقا در زبان کهن

۱. آینده (ماهنامه)، س ۱۶، ص ۳۹۴-۳۹۶: lessing Mongolia. Doerfer-Turkish v01, 1 «آقا - آغا مغولی است، نه ترکی».

جهان از دیرباز رواج داشته و حکمرانان برای در امان ماندن حرمسرایشان از خیانت خادمان مرد، افراد خواجه را در امور حرمسرا به خدمت می‌گرفتند.<sup>۱</sup> لقب «امین» نیز که به اغوات حرمین داده‌اند، بدین سبب است که زائران زن از دست آنان در امان بوده‌اند.<sup>۲</sup>

پیشینه به کارگیری خواجهگان در حرم نبوی به روشنی دانسته نیست. برخی به اشتباه معاویه یا یزید را آغازگر آن می‌دانند.<sup>۳</sup> در دوران خلفای اموی و عباسی، خدمت به مسجد نبوی و تعمیر و نگهداری آن بیشتر بر عهده حکمرانان و دانشوران شهر بود که در کنار دیگر کارهای خود انجام می‌دادند.<sup>۴</sup>

رواج به کارگیری اغوات در مسجدالنبی به دوران ایوبیان بازمی‌گردد.<sup>۵</sup> در این که کدام یک از آن‌ها نخستین بار بدین کار دست زده، اختلاف است. شماری به نورالدین زنگی<sup>۶</sup> (۵۳۴-۶۱۶ق.) به منزله نخستین واقف اغوات در سال ۵۵۷ق. و برخی به برادرش صلاح الدین ایوبی (م. ۵۸۹ق.)<sup>۷</sup> اشاره کرده‌اند.<sup>۸</sup>

۱. صفحات من تاریخ مكة المكرمة، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲. صبح الاعشى، ج ۶ ص ۹.

۳. تحفة المحبین، ص ۵۳.

۴. المسجد النبوی، ص ۳۷۷.

۵. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳، ص ۴۳؛ المسجد النبوی، ص ۳۷۷.

۶. اتحاف فضلاء الزمن، ج ۱، ص ۱۰۴؛ نزهة الناظرین، ص ۲۵۲.

۷. تحفة المحبین، ص ۵۳؛ بدائع الزهور، ج ۱، ص ۲۴۳.

۸. اتحاف فضلاء الزمن، ج ۱، ص ۱۰۴؛ اتحاف الوری، ج ۴،

ص ۹۴.

نشانه‌هایی بر درستی وجه دوم می‌توان یافت.<sup>۹</sup> گزارش ابن فرحون (۶۹۳-۷۶۹ق.) از وقف حدود ۲۰ خادم و برقراری جایگاه خادمان حرم نبوی ﷺ و وقف جایی برای آن‌ها به دست صلاح الدین<sup>۱۰</sup> شاهدی بر این سخن است. گزارش‌هایی از وجود اغوات در مدینه پیش از آن نیز در دست است؛ مانند گزارش ابن نجار که به سال ۵۵۴ق. از خادمی سیاه‌پوست و خواجه خیر داده است.<sup>۱۱</sup>

ابتکار ایوبیان در آغاز با مخالفت سخت دانشوران حجاز روبه‌رو شد؛ اما حکومت ایوبی مقاومت کرد.<sup>۱۲</sup> برخی از دانشوران در مخالفت با این کار قصیده‌هایی سرودند<sup>۱۳</sup> و کتاب‌هایی نوشتند؛ مانند کتاب *تحفة المحبین للمحبوب فی تنزیه مسجد رسول الله من کل خصی و محبوب نوشته جمال الدین قطان*. به گفته مخالفان، در دوران عباسیان، ققیهان، عارفان و دانشوران مشغول خدمت به مسجدالنبی و کعبه شریف بودند و این روش جدید، بدعتی نابخشدنی و دور از شأن پیامبر ﷺ به شمار می‌رفت.<sup>۱۴</sup>

درباره چگونگی، علل و انگیزه‌های به

۹. نزهة الناظرین، ص ۲۵۴.

۱۰. نصیحة المشاور، ص ۲۹۰-۲۹۱.

۱۱. الدررة التمینة، ص ۴۲۰.

۱۲. اتحاف فضلاء الزمن، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۱۳. مدینة منورة فی مئة مخطوطات، ص ۳۰۸.

۱۴. تحفة المحبین، ص ۵۳-۵۴.

کارگیری اغوات، چند نظریه وجود دارد؛ از جمله نبود میل جنسی در آنان و در امان ماندن زنان زائر، و نیز فراغت آن‌ها برای خدمت به سبب نداشتن همسر و زندگی خانوادگی.<sup>۱</sup> بر پایه سخنی، خواجگان با نفوذی که در دربار ایوبی داشتند، توانستند مدیریت خدمات حرم نبوی را به دست گیرند و این کار انگیزه سیاسی نداشت.<sup>۲</sup> به گفته‌ای دیگر، هنگامی که صلاح الدین ایوبی (م. ۵۸۹ق.) دولت فاطمیان مصر را شکست داد، بر آن شد تا دیگر سرزمین‌های اسلامی را زیر نفوذ خود درآورد. از این رو، برای بنی‌حسین، حاکمان وقت مدینه، هدایایی فراوان از جمله گروهی از اغوات را فرستاد و بنی‌حسین نیز حکومت او را پذیرفتند.<sup>۳</sup> شماری این تدبیر را ترفندی برای حفظ مسجدالنبی از دستبرد احتمالی صلیبیان دانسته‌اند؛ زیرا در آن هنگام شایع بود که مسیحیان قصد حمله به مدینه و سرقت جسد مبارک پیامبر را دارند.<sup>۴</sup> اغوات که به گونه شبانه‌روزی در خدمت حرم بودند، بر امنیت حرم نبوی می‌افزودند. این احتمال نیز در میان است که خواجگان تنها بخشی از هدایای ایوبیان به حرمین بوده‌اند و نیات سیاسی در به

کارگیری آنان راه نداشته است.<sup>۵</sup> استخدام اغوات برای مسجدالحرام حدود دو سده پس از به کارگیری آنان در مسجد نبوی، به گونه رسمی آغاز گشت.<sup>۶</sup> ابن جبیر (۵۴۰-۶۱۴ق.) و ابن بطوطه (۷۰۳-۷۷۹ق.) در سفرنامه‌های خود با این که به جزئیاتی بسیار از مسجدالحرام اشاره کرده‌اند، از اغوات مکه سخن نگفته‌اند؛ اما از اغوات مدینه یاد کرده‌اند.<sup>۷</sup> در آغاز، گویا اغوات مسجد نبوی میان مکه و مدینه در رفت و آمد بوده‌اند. برای مثال، طواشی نصر (م. ۷۳۶ق.) یک سال به مسجد نبوی و سال دیگر به مسجدالحرام خدمت می‌کرد.<sup>۸</sup>

◀ **سازمان و وظایف اغوات:** در اواخر سده ششم ق. که اغوات وقف حرم شدند، از سلسله مراتب و شرح وظایف آنان خبری نبود. بزرگسال‌ترین فرد به منزله برترین مقام برگزیده می‌شد که به او مشیخة الحرم می‌گفتند. پیشتر منصب شیخ الحرمی در دست غیر اغوات بود. این رسم ادامه یافت و بعدها خود اغوات، پیرترین فرد را به منصب مشیخة الحرم برمی‌گزیدند یا حکومت مرکزی به این کار اقدام می‌نمود.<sup>۹</sup>

۱. مقتطفات من رحلة العیاشی، ص ۱۷۷.

۲. تحفة المحبین، ص ۵۴-۵۵.

۳. بدائع الزهور، ج ۱، ص ۲۴۳؛ نزهة الناظرین، ص ۲۵۳-۲۵۴؛ المسجد النبوی، ص ۳۷۷.

۴. المسجد النبوی، ص ۳۷۷.

۵. نزهة الناظرین، ص ۲۵۵.

۶. التاريخ القويم، ج ۴، ص ۳۰.

۷. رحلة ابن جبیر، ص ۱۵۳؛ رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۸. نصیحة المشاور، ص ۶۱.

۹. بدائع الزهور، ج ۱، ص ۲۴۳؛ نزهة الناظرین، ص ۲۵۳.

سازمان و سلسله مراتب اغوات از نیمه دوم سده هفتم ق. اندک اندک انسجام یافت و تقسیم وظایف میان آنان به تدریج نمودار گشت. در برخی از سفرنامه‌های سده‌های هفتم و هشتم ق. تنها از لباس و ظاهر و نژاد حبشی اغوات گزارش‌هایی آمده؛ اما از وظایف آنان سخن نرفته است.<sup>۱</sup>

از نخستین وظایف اغوات مدینه، دریانی، نگهبانی و تأمین روشنایی حرم و انجام امور انتظامی و مذهبی مانند بازدید حرم پس از نماز عشا و بیرون راندن زائران و پیشگیری از توقف و شب‌نشینی در مسجد، و نیز فراشی و اذان گفتن بود.<sup>۲</sup> شست‌وشوی مطاف، حجر اسماعیل و مقام ابراهیم (علیه السلام)، فراشی، تأمین روشنایی با شمع و فانوس هنگام نماز صبح و مغرب و عشا نیز از وظایف اغوات مسجدالحرام به شمار می‌رفت.<sup>۳</sup>

در روزگار ممالیک، دستیابی به منصب حکمرانی<sup>۴</sup> و قضاوت مدینه<sup>۵</sup> و تولیت مسجد نبوی<sup>۶</sup> و مسجدالحرام<sup>۷</sup> نیازمند انتصاب

حکومت مرکزی بود و برکناری و نصب شیخ حرم، مانند دیگر منصب‌های اجرایی به دست حکومت انجام می‌گرفت.<sup>۸</sup> در سده‌های هشتم و نهم ق. برای یک یا دو سال، کسی را از میان اغوات به مقام شیخ حرم نبوی و مسجدالحرام برمی‌گزیدند. ماندگاری شخص در این مقام به لیاقت و عملکرد وی بستگی داشت.<sup>۹</sup> سخاوی (م. ۹۰۲ ق.) به انتخاب شیخ حرم از میان اغوات اشاره و تصریح کرده است که در زمان او معمولاً رسم بر انتخاب شیخ الحرم از میان اغوات بوده است.<sup>۱۰</sup>

پس از سامان‌دهی دوران ممالیک، اغوات در مدینه جایگاهی برتر یافتند و بیشتر امور مسجد نبوی را بر عهده گرفتند.<sup>۱۱</sup> با روی کار آمدن اشراف آل نُمی زیر نظر حکومت عثمانی، اغوات مدتی کوتاه در اداره مسجد نبوی و برکناری و گماشتن شیخ حرم استقلال کامل یافتند. حکومت تنها یکی از خادمان دربار را با عنوان نقیب یا مستشار و با وظیفه نظارت بر امور مالی، کلیدداری حجره نبوی و برخی وظایف جزئی دیگر گسیل می‌کرد.<sup>۱۲</sup> در آغاز جز شیخ اغوات یا شیخ الحرم، مقامی

۱. رحلة ابن جبیر، ص ۱۵۳؛ رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۶۳.

۳. مخصصات الحرمین، ص ۳۲۰-۳۲۱؛ تاریخ کعبة المعظمه، ص ۴۳۵.

۴. صبح الاعشى، ج ۱۲، ص ۲۳۷.

۵. صبح الاعشى، ج ۱۲، ص ۲۵۳.

۶. صبح الاعشى، ج ۱۲، ص ۲۵۴-۲۵۶.

۷. السلوك، ج ۷، ص ۳۰۱.

۸. نک: نصیحة المشاور، ص ۴۸.

۹. صبح الاعشى، ج ۱۲، ص ۲۵۴-۲۵۶؛ السلوك، ج ۷، ص ۳۰۱.

مقتطفات من رحلة العیاشی، ص ۱۷۷.

۱۰. التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۶۱.

۱۱. المدینة المنورة فی العصر المملوکي، ص ۲۱۱-۲۱۲.

۱۲. مقتطفات من رحلة العیاشی، ص ۱۷۷.

در دوران عثمانی، اختلاف‌هایی میان حکمران مدینه، امیر سپاه و شیخ حرم پدید آمد. سلطان سلیمان قانونی (حک: ۹۳۹-۹۴۶ق.) امپراتور عثمانی برای رفع اختلاف به سامان‌دهی جدیدی در تشکیلات اداری اغوات دست زد و انضباطی بیشتر را بر کار آنان حاکم کرد.<sup>۶</sup> وی در فرمانی قدرت را میان این سه گروه قسمت نمود و سپس به تنظیم وظایف و مراتب درونی اغوات حرم پرداخت. برترین جایگاه در اختیار گروهی ۴۰ نفره با عنوان «خُزَیون» قرار گرفت که از همه پیرتر و کهنه‌کارتر بودند. آنان را از این رو خبزی خواندند که نان و خرجهشان از بیت المال مسلمانان پرداخت می‌شد.<sup>۷</sup> هر یک از ایشان وظیفه‌ای داشت و پیرترین آنان شیخ حرم بود. سپس به ترتیب، نایب حرم، خزنه‌دار حرم، مستسلم، نقیب حرم و رئیس دربان حرم جای داشتند. پس از خبزیون، ۴۰ تن دیگر با عنوان «بَطَّالین» بودند که به آن‌ها عجمی نیز می‌گفتند.<sup>۸</sup> وجه نام‌گذاری آنان به بطالین، آن است که برترین فرد آنان یا شیخ بطلاله، پس از مرگ یکی از خبزیون به پایین‌ترین رتبه خبزیون می‌رسید. گویا اعضای این گروه،

دیگر میان آن‌ها وجود نداشت؛<sup>۱</sup> اما پس از مدتی به تدریج و بر پایه نیاز، مراتب و سمت‌های دیگر نیز پدید آمدند که به ترتیب عبارت بودند از: شیخ خدام، خازن‌دار، نایب مشیخه، و رأس الخدام.<sup>۲</sup>

به سال ۶۲۲ق. پوشش قبر پیامبر ﷺ را عوض کردند و جمال‌الدین محسن صالحی (م. ۶۶۸ق.) را به منزله شیخ حجره نبوی برگزیدند تا نظافت و تعویض پرده قبر را بر عهده گیرد. از همان سال، به کاربردن شمع، بُخور، روغن و عطر در حجره نبوی مرسوم گشت و این کار بر عهده اغوات نهاده شد.<sup>۳</sup> امین‌الدین مفید (م. ۷۷۴ق.) را به سبب امانت و درستکاری، محافظ خزانة حرم (قبلة الزيت) کردند و این مقام بعدها به خازن‌دار حرم مشهور شد.<sup>۴</sup> در اواخر سده دهم ق. به سبب پرهیزگاری و درایت شیخ حرمین شجاعی شاهین جمالی، کلید خزانة مسجدالنبی را به اغوات سپردند که پیشتر در دست قضات مدینه بود.<sup>۵</sup> این رخدادها سبب پدید آمدن وظایف و سمت‌های تازه گشت.

۱. نصیحة المشاور، ص ۶۰ السلوک، ج ۲، ص ۶۰.

۲. نصیحة المشاور، ص ۲۷-۶۵.

۳. السلوک، ج ۲، ص ۹، ۶۰.

۴. نصیحة المشاور، ص ۵۲.

۵. الضوء اللامع، ج ۳، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۷۰.

«پاورقی».

۶. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۶۹-۷۴؛ المسجد النبوی، ص ۳۷۹؛

امارة الحج فی مصر العثمانیه، ص ۳۳۶.

۷. المسجد النبوی، ص ۳۸۰.

۸. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳، ص ۴۲.

«نفر» می‌نامند. پس از مدتی که ارتقا یابد، «شیخ مفتاح» خوانده می‌شود که کلید محل نگهداری شمعدان‌ها و وسائل نظافت مطاف در مکه و حجره در مدینه را نزد خود دارد. رتبه بعد دُوروزری یا مراقب اغوات است که به دیگر اغوات در نظافت صحن حرمین یاری می‌کند. مراقب اغوات در صورت انجام درست وظایف خود، به رتبه «ضابط» می‌رسد که پایین‌ترین جایگاه در بطلاله است و وظایف او همانند دوره عثمانی است.<sup>۵</sup>

◀ **اغوات در دوره آل سعود:** با روی کار آمدن دولت سوم آل سعود، ملک عبدالعزیز در ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۴۶ق. در فرمانی ادامه کار اغوات را درست شمرد و دخالت در امور داخلی و مالی آنان را ناروا دانست. به سال ۱۳۵۵ق. این فرمان در قانون نیز گنجانده شد. ۲۴ سال بعد، ملک سعود بن عبدالعزیز فرمان پدر را تأیید نمود و به سال ۱۳۹۱ق. مجلس وزرا قانونی با همان مضمون وضع کرد.<sup>۶</sup>

در سال‌های اخیر، پیر شدن و درگذشت اغوات و نبود برده برای هدیه به حرمین و ممنوعیت اخصاء (اخته کردن)، اغوات را به

عضو علی‌البدل خیزیون بودند.<sup>۱</sup> وظایف بطالین بیرون از حجره و مسجد نبوی تعریف شده بود و آن‌ها حق نداشتند با گروه اول در دکه الاغوات بنشینند. سلسله مراتب و ریاست سنی در دیگر گروه‌های اغوات نیز دیده می‌شد و کسی که در خدمت به مسجدالنبی پیشینه بیشتر داشت، پیش از دیگران به مقامات و مراتب برتر می‌رسید.<sup>۲</sup>

در حدود ۱۰۷۳ق. وظایف بطلاله به کارهای بیرون از حجره و مسجدالنبی محدود بود. درون مسجدالنبی تنها در برخی کارها به خیزیون یاری می‌کردند؛ مانند همکاری با دربانان و افروختن چراغ برای مؤذن نماز صبح.<sup>۳</sup> این گروه پس از گذشت چند سال به دو دسته سندبیس و مکاده قسمت شدند و مسئولیت روشنایی بخش‌های گوناگون مسجد میان آنان تقسیم گشت.<sup>۴</sup> در این دوره، در سلسله مراتب اغوات تغییراتی روی داد. ولی کسی در امور مالی و موقوفه‌های آنان دخالت نمی‌کرد و این روند تاکنون ادامه دارد.

در دوره آل سعود، مراتب و مقاماتی جدید بر اغوات افزوده شده است. خادم تازه‌کار را

۱. المسجد النبوی، ص ۳۸۷؛ التاريخ الشامل، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. مقتطفات من رحلة العیاشی، ص ۱۷۷.

۳. مقتطفات من رحلة العیاشی، ص ۱۷۷؛ المسجد النبوی، ص ۳۸۷.

۴. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۷۷؛ موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳،

ص ۴۴-۴۵؛ المسجد النبوی، ص ۳۸۷-۳۸۹.

۵. تاریخ کعبة المعظمه، ص ۴۳۵.

۶. مجلة الیمامه، ش ۱۰۹۲، ۱۲ رجب، نصر الله توفیق، «اغوات»؛ روزنامه عکاظ، الجمعة ۱۳/۰۴/۱۴۳۲ق.، ۱۸ مارس ۲۰۱۱م. العدد: ۳۵۶۱.

در دوران معاصر، بسیاری از وظایف اغوات به شرکت‌ها واگذار شده و اکنون از ۴۲ وظیفه‌ای که بر عهده اغوات بود، تنها چند وظیفه از جمله نظافت و درباری، استقبال از مهمانان بلندپایه حکومتی، پیشگیری از طواف زنان پس از اذان، و جدا نگاه داشتن آنان از مردان بر جای مانده است.<sup>۳</sup>

◀ **ستیزهای اغوات:** اغوات از آغاز تاکنون به عللی ستیزهای درونی و برون‌گروهی داشته‌اند که در منابع تاریخی بازتابی گسترده یافته است. نقص قوانین و ضوابط کاری و تقسیم وظایف و اختلاف فرهنگی و قومی میان اغوات، از علل اصلی ستیزهای درونی آنان بوده است. در آغاز، بزرگان و حکمرانان بدون نظر به شرایط گزینش، خواجه‌ها را وقف روضه نبوی می‌کردند و ازدحام منافع و وظایف و اختلاف فرهنگی اغوات سرزمین‌های گوناگون، گاه کار را به درگیری مسلحانه می‌کشاند. بعدها با تدابیری مانند توجه به اختلاف فرهنگی اغوات، این ستیزها از میان رفت.<sup>۴</sup>

بخش عمده ستیزهای اغوات با حکومت و کارگزاران آن، بر سر قدرت و قلمرو وظایف

چاره‌اندیشی برای رفع کمبود نیروی انسانی واداشته است. آنان سالانه به کشورهای گوناگون و معمولاً سرزمین‌های آفریقایی می‌روند و از میان خواجهگان، افراد دارای شرایط را به حرمین دعوت می‌کنند. این افراد پس از طی مراحل اداری، تابعیت کشور عربستان را دریافت می‌کنند و در حرمین به کار می‌پردازند.<sup>۱</sup> مهم‌ترین شرط به کارگیری آنان، خواجه بودن و نداشتن میل و نیروی جنسی، و نیز سلامت جسمانی برای انجام وظایف مربوط است.

در روزگار فهد (حک: ۱۹۸۲-۲۰۰۵م). مفتی عربستان، بن‌باز، در فتوایی، جذب اغوات را بدعت شمرد و ملک فهد نیز این کار را ممنوع دانست. این فتوا بر این پایه بود که به اشتباه به بن باز خبر داده بودند برخی برای آن که پسرانشان در حرمین خدمت کنند، آنان را اخته می‌سازند. پس از روشن شدن نادرستی این خبر، ممنوعیت همچنان بر جای ماند و دیگر خواجه‌ای جذب نشد. از این رو، رفته رفته از شمار اغوات کاسته می‌شود و بر پایه آمار، به سال ۱۴۳۲ق. نُه تن آغا در مدینه و هفت تن آغا در مکه به خدمت مشغول هستند.<sup>۲</sup>

۳. التاريخ القويم، ج ۴، ص ۴۱؛ مجلة اليمامة، ش ۱۰۹۲، ۱۲ رجب، نصر الله توفيق، «اغوات»، روزنامه عكاظ، الجمعة ۱۳/۴/۱۴۳۲ق، ۱۸ مارس ۲۰۱۱م. العدد: ۳۵۶۱.  
۴. نزهة الناظرين، ص ۲۵۴؛ موسوعة مرآة الحرمين، ج ۳، ص ۴۳-۴۴.

۱. مجلة اليمامة، ش ۱۰۹۲، ۱۲؛ روزنامه عكاظ، الجمعة ۱۳/۴/۱۴۳۲ق.، ۱۸ مارس ۲۰۱۱م. العدد: ۳۵۶۱.  
۲. صفحات من تاريخ مكة المكرمة، ج ۲، ص ۳۳۱؛ نك: سفرنامه حجاز، دریابادی، ص ۱۹۵؛ روزنامه عكاظ، الجمعة ۱۳/۴/۱۴۳۲ق.، ۱۸ مارس ۲۰۱۱م. العدد: ۳۵۶۱.

و اختیارات بوده است. در نخستین درگیری گزارش شده آنان با مقامات حکومتی به سال ۸۱۱ق. و نیز درگیری‌های سده‌های ۱۲ و ۱۳ق.<sup>۱</sup> دخالت حکومت در برکناری و نصب شیخ حرم، انگیزه ستیز بود.<sup>۲</sup> برخی منابع، نبود قدرت مرکزی ثابت و دست‌اندازی هر یک از صاحب منصبان مدینه برای دستیابی به قدرت بیشتر را از عوامل پس‌زمینه این درگیری‌ها دانسته‌اند.<sup>۳</sup> مهم‌ترین درگیری‌های اغوات با نیروهای حکومتی عبارتند از: فتنه العُهد، فتنه بشیر آغا به سال ۱۱۴۸ق. و فتنه عبدالرحمن آغا کبیر و حسن کابوس در ۱۱۵۵ق.<sup>۴</sup>

رویداد موسوم به شمامه از مشهورترین رخدادهای مربوط به اغوات است که درگیری‌هایی را برانگیخت و برخی درباره آن به تألیف رساله و کتاب پرداختند؛ مانند عمر بن علی سمهودی (م. ۱۱۵۷ق.) که کتابی با عنوان *کسر الشمامه* نوشت.<sup>۵</sup> در دوران صفویه، شاهان ایرانی توجهی ویژه به مسجد نبوی داشتند. از گرانبهاترین هدایا که در گذر تاریخ به مسجدالنبی هدیه شد، هدیه شاه سلطان حسین اول (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق.) بود که در

مدینه به شمامه مشهور شد. این هدیه شیعی تزئینی و کره‌مانند از طلای ناب و سنگ‌های قیمتی چون الماس، یاقوت و برلیان با ارزش تقریبی ۴۰/۰۰۰ شتر سرخ بود که برای آویختن در مسجد پیامبر هدیه شده بود. شیخ حرم احمد آغا از آویختن شمامه در روضه سر باز زد و لزوم کسب اجازه از سلطان عثمانی را بهانه کرد. شاه سلطان حسین در نامه‌ای به سلطان عثمانی خواست تا شمامه را با نام سلطان عثمانی در روضه بیاویزند. سلطان عثمانی فرمانی بر جواز نصب شمامه در روضه صادر کرد. این فرمان در محرم ۱۱۱۹ق. به دست شیخ حرم رسید و او زمینه نصب شمامه را فراهم آورد. اما شمامه گم شد و پس از جست‌وجو معلوم گشت که دو تن از اغوات این هدیه گرانبها را به سرقت برده و خرد کرده و در بازار فروخته‌اند. به مردم امان‌نامه دادند تا قطعه‌های شمامه را بازگردانند. این رویداد مایه برکناری و حبس شیخ و نایب حرم شد و اعتماد مردم مدینه به اغوات تا مدتی از میان رفت.<sup>۶</sup>

◀ **لباس اغوات:** پوشش اغوات از آغاز با دیگر افراد تفاوت داشت. لباس ویژه آنان توجه سفرنامه‌نویسان را نیز به خود جلب کرده است. نخستین بار ابن جیبر و ابن بطوطه به

۶. منایح الکرم، ج ۵، ص ۴۳۳-۴۳۶؛ مدینه منوره فی مئة مخطوطات، ص ۳۱۱-۳۱۳.

۱. السلوک، ج ۶، ص ۲۰۹-۲۱۰؛ الاخبار الغریبه، ص ۲۰.  
 ۲. التاريخ الشامل، ج ۲، ص ۳۸۴.  
 ۳. التاريخ الشامل، ج ۲، ص ۳۸۴.  
 ۴. الاخبار الغریبه، ص ۳۴-۵۸؛ التاريخ الشامل، ج ۲، ص ۳۸۸-۳۸۹؛ المسجد النبوی، ص ۳۷۹.  
 ۵. مدینه منوره فی مئة مخطوطات، ص ۳۱۱-۳۱۳.



بلند به نام فرجیه می پوشند و عمامه‌ای همراه کلاه یا قاووق بر سر می نهند و شالی سبزی یا زرد دور کمر می بندند.<sup>۶</sup>

◀ **بودجه و درآمد اغوات:** در آغاز کار اغوات در مدینه، بودجه‌ای ویژه آنان در میان نبود و معیشت آن‌ها با هدایا می گذشت.<sup>۷</sup> تخصیص بودجه و اعتبار مالی برای امور معیشتی اغوات به تدریج شکل گرفت. در آغاز هر سلطان به فراخور وضع خزانه و یا هنگام ورود به مدینه مبلغی هدیه می داد.<sup>۸</sup> ممالیک مصر نخستین حاکمانی بودند که سالانه برای اغوات بودجه اختصاص دادند. این حقوق ماهانه تغییر می یافت.<sup>۹</sup> در طول سده‌ها با شکل گیری نظام سازمانی و سلسله مراتب و وظایف، منابعی برای تأمین بودجه اغوات در نظر گرفته شد که مهم ترین موارد آن‌ها عبارتند از:

▼ **۱. وقف:** درآمد موقوفه‌ها نخستین منبع تأمین هزینه‌های اغوات بود و آغاز آن به زمانی بازمی گردد که صلاح الدین ایوبی منطقه نُقاده از توابع الصید و یک سوم منطقه سندیس در پیرامون رود نیل را وقف کرد تا از درآمد آن ۲۴ خادم ضریح نبوی، زندگی

وضع ظاهری و لباس ویژه خادمان اشاره کرده‌اند که به تعبیر آن دو، یادآور شکل و شمایل بزرگان و حکمرانان بوده است.<sup>۱</sup> در دوران عثمانی، سلطان سلیمان قانونی تغییراتی در نحوه مسئولیت‌ها و همچنین پوشش آن‌ها داد تا زائران از لباس آنان به سمت‌هایشان پی ببرند. برای تأمین لباس‌های مخصوص اغوات، سالانه پارچه و پیراهن سفید از مصر برای آن‌ها فرستاده می شد. گذاشتن قاووق (گونه‌ای کلاه) بر سر، از فرمان‌های سلطان سلیمان قانونی بود. این گونه پوشش تا دوران معاصر (به ادامه مقاله) حفظ شده است.<sup>۲</sup> در دوران عثمانی، اغوات یک عصا در دست راست و یک ترکه در دست چپ داشتند تا با آن دو بتوانند نظم نمازگزاران و طواف کنندگان را تأمین کنند.<sup>۳</sup> اغوات در مراسم گوناگون لباس‌های متفاوت می پوشیدند. برای مثال، در مراسم افروختن چراغ روضه نبوی، شیخ و نایب حرم لباس یکدست سفید برتن داشتند.<sup>۴</sup> پیراهن سفید، شال کرمانی و عمامه عربی از لباس‌های اغوات بوده است.<sup>۵</sup> امروزه پوشش اغوات در مکه و مدینه یکسان است و قبایی

۶ روزنامه عکاظ، الجمعه ۱۳/۰۴/۱۴۳۲ق، ۱۸ مارس ۲۰۱۱م، العدد: ۳۵۶۱.

۷ موسوعة مرآة الحرمين، ج ۳، ص ۴۳.

۸ السلوک، ج ۲، ص ۶۰.

۹ صبح الاغشی، ج ۱۲، ص ۲۵۴؛ مخصصات الحرمین، ص ۳۲۴-۳۲۵.

۱. رحلة ابن جبیر، ص ۱۵۳؛ رحلة ابن بطوطة، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۷۱؛ التاریخ القویم، ج ۴، ص ۴۱-۴۲؛ المسجد النبوی، ص ۲۸۹.

۳. سفرنامه مکه معظمه، ص ۱۴۲.

۴. پنجاه سفرنامه، ج ۳، ص ۱۹۹، ۲۱۸، «سفرنامه فرهاد میرزا».

۵. پنجاه سفرنامه، ج ۲، ص ۴۴۲، «حج منصور».

بگذرانند.<sup>۱</sup> پس از صلاح الدین، صالح بن محمد قلاوون وقفی دیگر را به آنان اختصاص داد<sup>۲</sup> و از آن پس بسیاری از حکمرانان و توانگران این راه را ادامه دادند.<sup>۳</sup> باغ اغوات از دیگر موقوفه‌های اغوات بود که در شمال مدینه قرار داشت.<sup>۴</sup> جز شهرهای طائف، جدّه، احساء، مکه و مدینه در عربستان، در کشورهای دیگر مانند عراق، مصر، مغرب و یمن موقوفه‌هایی به اغوات اختصاص یافته بود که امروزه بسیاری از آنها باقی مانده و درآمد سالانه آنها به صورت مساوی و بدون در نظر گرفتن سن و رتبه، میان اغوات قسمت می‌شود.<sup>۵</sup> درآمد موقوفه‌ها پس از درگذشت آغا، به وارث یا وصی او انتقال نمی‌یابد.

**۲.۷. مستمري حكومتی:** پرداخت مستمري به اغوات در دوران ممالیک آغاز شد و هر حكومتی که بر منطقه حجاز سلطه می‌یافت، مبلغی را به آنها اختصاص می‌داد.<sup>۶</sup> برای مثال، سلطان سلیم خان به سال ۹۲۳ق. طی فرمانی بودجه‌ای را برای گروه‌های گوناگون اغوات

برنهاد.<sup>۷</sup> مقدار این مستمري در دوران ممالیک ثابت نبود و بر پایه شماره خادمان و رتبه هر خواجه تغییر می‌کرد.<sup>۸</sup> در دوران عثمانی، حقوق ماهیانه معین شد و در ردیف بودجه سالانه حكومتی آمد.<sup>۹</sup> حكومت عثمانی در اواخر سده ۱۱ق. برای خواجهگان حرم ۲۱۶۰۰ نیم نقره دیوانی اختصاص داد که با صرّه\* همایونی به حجاز فرستاد. این مبلغ به عنوان موجب فرآشان حرم شریف مکه در بودجه سالانه ثبت می‌شد. افزون بر این، برای چارپایان آنها نیز علوفه فرستاده می‌شد. مبلغی که برای شیخ حرم مدینه اختصاص می‌یافت، مشخص نبود.<sup>۱۰</sup> مستمري، جدا از مخارجی بود که واقفان اغوات برای موقوفه‌های خود می‌فرستادند. برای مثال، به گفته سیف الدوله، چون بیشتر اغوات را پادشاه حبشه وقف کرده بود، همه ساله همو مخارج سالشان را می‌فرستاد.<sup>۱۱</sup> پرداخت مستمري با روی کار آمدن آل سعود متوقف نشد و امروزه ماهانه از سوی حكومت به آنها مبلغی پرداخت می‌شود.<sup>۱۲</sup>

۷. امارة الحج، ص ۳۳۷-۳۳۹.

۸. نزهة الناظرین، ص ۲۵۵؛ مخصصات الحرمین، ص ۳۲۸-۳۳۰.

۹. مخصصات الحرمین، ص ۳۲۵.

۱۰. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳، ص ۱۲۷؛ مخصصات الحرمین،

ص ۳۲۴-۳۲۷.

۱۱. سفرنامه سیف الدوله، ص ۱۳۳.

۱۲. مجلة الیمامة، ش ۱۰۹۲، ۱۲ رجب، نصر الله توفیق، «اغوات»؛

روزنامه عکاظ، الجمعة ۱۳/۰۴/۱۴۳۲ق.، ۱۸ مارس ۲۰۱۱م.

العدد: ۳۵۶۱.

۱. السلوك، ج ۱، ص ۱۶۵؛ بدائع الزهور، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. نصیحة المشاور، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۶۳.

۳. مخصصات الحرمین، ص ۳۲۴-۳۲۷.

۴. صور من الحیة الاجتماعیة، ص ۱۵۸.

۵. التاريخ القویم، ج ۴، ص ۴۱؛ مجلة الیمامة، ش ۱۰۹۲، ۱۲ رجب،

نصر الله توفیق، «اغوات»؛ روزنامه عکاظ، الجمعة

۱۳/۰۴/۱۴۳۲ق.، ۱۸ مارس ۲۰۱۱م. العدد: ۳۵۶۱.

۶. صبح الاعشی، ج ۱۲، ص ۲۵۴؛ نزهة الناظرین، ص ۲۵۵.

بودند، به اغوات دیگر می‌رسید یا صرف کارهای خیر می‌شد.<sup>۸</sup> در دوران معاصر، برای تقسیم اموال آنان در آغاز می‌کوشند تا اقوام متوفا را بیابند و سهم او را به آنها تحویل دهند تا کاری خلاف شرع صورت نپذیرد.<sup>۹</sup>

حکمرانان مملوکی و بزرگان سرزمین‌های دیگر به شیخ حرم احترام ویژه می‌نهادند و هنگام ورود او و دیگر اغوات به مصر، به استقبال آنان آمده، هدایای فراوان به آنان می‌دادند.<sup>۱۰</sup> در مجالس به احترامشان برمی‌خاستند و آنان را نزدیک خود می‌نشاندند و با کشیدن دست بر لباس شیخ اغوات تبرک می‌جستند.<sup>۱۱</sup> سبب این احترام، بزرگداشت حریم بود که اغوات خادمان آنها به شمار می‌آمدند.<sup>۱۲</sup> اغوات از التفات پادشاهان ایران نیز بهره داشتند و هر ساله از این راه هدایا و مقرری برای آنها می‌رسید.<sup>۱۳</sup> محبت‌ورزی به اغوات در دوران معاصر نیز به چشم می‌خورد. نواز شریف، رئیس جمهور پاکستان، و حسن دوم، پادشاه فقید مغرب، اغوات را به صورت

۳. **هدایا:** نخستین گزارش از اعطای هدیه به اغوات، به سال ۶۶۲ق. بازمی‌گردد که سلطان مملوکی ۲۰۰/۰۰۰ سکه به شیخ حرم جمال‌الدین محسن صالحی (م. ۶۶۸ق.) هدیه داد.<sup>۱</sup> پرداخت هدیه در اواخر حکومت ممالیک رواج یافت و تاکنون ادامه دارد.<sup>۲</sup> افزون بر وجه نقد، چارپایان و اشیای گرانبها نیز برای آنها ارسال می‌شد.<sup>۳</sup> هدیه همیشه پذیرفته نمی‌شده و گزارش‌هایی نیز درباره رد هدیه از سوی اغوات در دست است.<sup>۴</sup>

این درآمدها اغوات را به ثروت کلانی رساند که بیشتر صرف کارهای عام‌المنفعه و خیر می‌شد. در سفرنامه‌ها از ثروت بسیار اغوات سخن رفته<sup>۵</sup> و گاه از این جنبه میان اغوات مکه و مدینه مقایسه صورت گرفته است.<sup>۶</sup> اغوات به آزادسازی بردگان دلبستگی داشتند و مردم فقیر مدینه را نیز فراموش نمی‌کردند و به آبادسازی شهر بسیار اهمیت می‌دادند.<sup>۷</sup> آنان زن و فرزند نداشتند و بیشتر اموالشان بر پایه قراری که میان خود نهاده

۱. السلوک، ج ۲، ص ۶۰.

۲. موسوعة مرأة الحرمین، ج ۳، ص ۴۳.

۳. نزهة الناظرین، ص ۲۵۵.

۴. سفرنامه حجاز، دریابادی، ص ۱۹۷.

۵. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۴۸۰، «سفرنامه نائب‌الصدر»؛ پنجاه

سفرنامه، ج ۵، ص ۲۳۵، «سفرنامه محمد حسین فراهانی».

۶. پنجاه سفرنامه، ج ۷، ص ۷۳۴، «میرزا علی اصفهانی».

۷. نصیحة المشاور، ص ۳۷-۶۳؛ تحفة المحبین، ص ۵۸-۶۵.

۸. مجلة الیمامه، ش ۱۰۹۲، ۱۲ رجب، نصرالله توفیق، «اغوات».

۹. مجلة الیمامه، ش ۱۰۹۲، ۱۲ رجب، ص ۴۲-۴۶.

۱۰. نصیحة المشاور، ص ۳۷-۶۰؛ السلوک، ج ۲، ص ۶۰.

۱۱. بدائع الزهور، ج ۱، ص ۲۴۳.

۱۲. نزهة الناظرین، ص ۲۵۳؛ موسوعة مرأة الحرمین، ج ۳، ص ۴۳؛

التاریخ القویم، ج ۴، ص ۳۷-۳۸.

۱۳. سفرنامه مکه معظمه، ص ۱۷۱.

رسمی به کشور خود دعوت کردند.<sup>۱</sup>

◀ **رسوم:** وظایف، روابط و اختیارات اغوات موجب گشت تا آداب، سنن و رسومی پدید آیند. این رسوم به مرور شکل خاص، الزامات و تشریفات ویژه یافتند. از جمله این رسوم عبارتند از:

▼ **۱. اذن ورود:** در مسجدالنبی برای برگزاری برنامه‌هایی مانند سخنرانی یا خطابه نماز جمعه، اجازه اغوات برای ورود رسم بود. برخی آداب کسب اجازه به صورت سنتی الزامی درآمده بود. مثلاً خطیب نماز جمعه باید کنار باب مناره می‌ایستاد و با قرائت آیاتی از قرآن اذن می‌گرفت و اغوات در منبر را بر او می‌گشودند.<sup>۲</sup> هیچ‌گاه از این سنت تخلف نمی‌شد.

رئیس مؤذنان که ساعتی پیش از سپیده دم برای بیدار کردن مردم مناجات می‌خواند، پشت باب جبرئیل یا باب النساء فریاد می‌زد: «لا إله إلا الله» و آغای مسئول آن شب پاسخ می‌داد: «محمد رسول الله» و در را می‌گشود. سپس برای او فرشی می‌گسترند و او نیز بر پیامبر ﷺ و خاندانش درود می‌فرستاد و به جایگاه ویژه اذان می‌رفت و با خواندن مناجات و دعا مردم را به شرکت در نماز

۱. روزنامه عکاظ، الجمعة ۱۳/۰۴/۱۴۳۲ق، ۱۸ مارس ۲۰۱۱م.  
العدد: ۳۵۶۱.

۲. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۷۶.

فرامی‌خواند و هنگام شفق اذان صبح می‌گفت.<sup>۳</sup>

▼ **۲. غباررویی:** در دوران عثمانی، اغوات روضه نبوی را سه بار در سال (نهم ربیع الاول، اول رجب و ۱۹ ذی‌قعدة) با تشریفات ویژه می‌شستند. این مراسم، آدابی داشت؛ از جمله تکرار ذکر «لا إله إلا الله، محمد رسول الله» در حین کار و صلوات مداوم زائران حرم که با شوق و شور فراوان آنان همراه بود.<sup>۴</sup>

▼ **۳. افروختن چراغ‌ها:** از دوره عثمانی، روشن کردن چراغ‌های حرم نبوی از وظایف روزانه اغوات بوده و به مرور آداب و رسوم ویژه یافته است؛ مانند خواندن ذکر و دعا، حمل شمعدان‌ها به دست شیخ حرم و نایب او، آوردن بخور مخصوص به دست خزن‌دار با تشریفات خاص و گاه با حضور قاضی مدینه و نقیب حرم در حمل بخور.<sup>۵</sup>

▼ **۴. معطر ساختن صندل‌های منسوب به پیامبر ﷺ:** به صورت سالانه در ۱۹ ذی‌قعدة مراسم معطر ساختن صندل منسوب به پیامبر انجام می‌پذیرد. اغوات پس از معطر ساختن

۳. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۷۶: موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳، ص ۵۳.

۴. پنجاه سفرنامه، ج ۳، ص ۱۹۹، «سفرنامه فرهاد میرزا»؛ نک: پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۲۳۵، «سفرنامه حسین فراهانی»؛ موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳، ص ۴۷.

۵. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳، ص ۵۱؛ رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۷۱-۷۴: المسجد النبوی، ص ۳۸۴-۳۸۵.

معمولاً مراحل با آداب و تشریفات برگزار می‌شود. بر پایه گزارش منابع، در مسجد نبوی متهم را احضار می‌کردند و پس از بازجویی، در آغاز آغای خطاکار را پند می‌دادند. در صورت اثبات اتهام، بر پایه قوانین داخلی، تنبیه بدنی متهم ضروری بود. شیخ حرم به آوردن چوبدستی مخصوص فرمان می‌داد و همراه دو آغای دیگر، متهم را به درون خزانه شمع‌ها یا بقعة الزیت می‌بردند که نزدیک روضه پیامبر قرار داشت. سپس پای او را فلک می‌کردند و مراحل دیگر را نیز طی می‌نمودند. مراسم تنبیه به گونه‌ای برگزار می‌شد که درس عبرتی برای دیگران شود.<sup>۴</sup> این روش تنبیه درون حرم با اعتراض بسیاری از بزرگان روبه‌رو بوده است.<sup>۵</sup> اجرای مجازات و تنبیه اغوات مسجدالحرام نیز مکان و آدابی ویژه داشته است.<sup>۶</sup>

◀ **مکان‌های اغوات:** در حرمین شریفین مکان‌هایی منسوب به اغوات وجود دارد که در منابع تاریخی و سفرنامه‌ها نیز از آن‌ها یاد شده است. برخی از این مکان‌ها اکنون نیز موجودند و مهم‌ترین موارد آن‌ها

۴. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳، ص ۴۸-۴۹.

۵. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳، ص ۴۸-۴۹.

۶. نک: مجلة الیمامه، ش ۱۰۹۲، ۱۲ رجب، نصرالله توفیق، «اغوات»، روزنامه عکاظ، الجمعه ۱۳/۴/۱۴۳۲ق، ص ۱۸ مارس ۲۰۱۱م. العدد: ۳۵۶۱.

صندل، آن را در ظرفی از طلا و نقره و بر طاقچه‌ای بالای سر مقبره پیامبر می‌نهادند.<sup>۱</sup>

▼ **۵. تبرک نوزاد:** در این مراسم، نوزاد چهل روزه را می‌شستند و لباسی نو بر تنش می‌پوشاندند و با عطر و گلاب او را معطر می‌کردند و در حدّ توان خانواده، به زیور آلات می‌آراییدند. پس از نماز مغرب، کودک را به اغوات می‌سپردند و آنان با تشریفات و اوراد و اذکار خاص، نوزاد را چند دقیقه زیر پوشش مقبره پیامبر نگاه می‌داشتند و مادر در برابر این کار مبلغی می‌پرداخت.<sup>۲</sup>

▼ **۶. بیتوته شبانه:** در دوران ممالیک، رسم بر آن بود که اغوات جز شیخ حرم و نقیب حرم، شبانگاه در مسجد نبوی بخوابند، مگر آن که بیمار باشند.<sup>۳</sup>

▼ **۷. تنبیه و مجازات:** اغوات از آغاز تاکنون برای گزاردن وظایف خود، مقرراتی داخلی داشته و به رعایت آن‌ها موظف بوده‌اند. آنان به تدریج برای تخلف از وظایف یا ارتکاب جرم، تنبیه و مجازات برنهادند. هر یک از اغوات، در هر جایگاه و رتبه، در صورت لزوم بر پایه قوانین داخلی تنبیه می‌شود. برای اثبات تخلف و اجرای کیفر

۱. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۷۴-۷۵.

۲. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۶۵؛ رحلة هندیه، ص ۱۱۴؛ میقات حج، ص ۴۸، ص ۸۸، «جغرافیای انسانی مدینه منوره».

۳. مقتطفات من رحلة العیاشی، ص ۱۷۷.

عبارتند از:

۱. **دکة الاغوات:** مکانی است با ۱۲ متر طول و هشت متر عرض که ۴۰ سانتی متر از سطح زمین مسجدالحرام ارتفاع دارد. شماری این دکه را با دکه اصحاب صفة یکسان می‌دانند<sup>۱</sup> و بعضی نیز آن را باقیمانده‌ای از دکه اصحاب صفة می‌شمرند. <sup>۲</sup> اغوات در این دکه به قرائت قرآن، ادعیه و نمازهای مستحب مشغول می‌شدند. شاید به همین سبب این مکان را دکة الاغوات<sup>\*</sup> نامیدند. <sup>۳</sup> از ورود افراد دیگر به درون دکه پیشگیری می‌شد و تنها اغوات اجازه حضور و استراحت در آن را داشتند.<sup>۴</sup>

۲. **مخزن الزيت:** این مکان، اتاقی در مسجدالنبی ﷺ میان باب توسل و باب مدرسه در شبستان شمالی برای نشستن و استراحت اغوات بوده است. روغن چراغ‌های مسجد در این اتاق نگاهداری می‌شد و از همین رو به آن «مخزن الزيت» می‌گفتند.<sup>۵</sup> قبة الزيت در گسترش دوره عثمانی ویران شد و به جای آن

۱. مخصصات الحرمین، ص ۳۲۳؛ آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۱۹۶.  
 ۲. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۷۰؛ تاریخ معالم المدینه، ص ۶۸-۶۹.  
 ۳. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۳، ص ۴۲.  
 ۴. روزنامه عکاظ، جمعه ۱۳/۴/۱۴۲۲ق، عدد ۳۵۶۱.  
 ۵. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۶۳۷۰؛ الرحلة الحجازیه، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ التاريخ الشامل، ج ۲، ص ۴۰۵.

در صحن مسجد و کنار دیوار شامی، اتاقی برای اغوات ساختند.<sup>۶</sup> امروزه این اتاق کنار باب جبرئیل قرار دارد و معمولاً دو یا سه آغا در آن حضور دارند.<sup>۷</sup>

۳. **محراب شیخ الحرم:** در کنار دکة الاغوات محرابی بوده<sup>۸</sup> که شیخ حرم در آن نماز تراویح می‌گزارده و در گسترش حرم نبوی در قسمت بانوان قرار گرفت.<sup>۹</sup>

۴. **حجرة الاغوات:** اتاقی در مسجدالحرام بود که در آن وسایل و ابزارهای نظافت را می‌نهادند.<sup>۱۰</sup> این اتاق در گسترش دوران سعودی از میان رفت.

۵. **مقعد الاغوات:** جایی نزدیک مقام حنبلی و روبه‌روی حجرالاسود بود که شیخ حرم و اغوات در آن گرد می‌آمدند. از همین رو، به آن مقعد اغوات می‌گفتند.<sup>۱۱</sup>

۶. **عین الاغوات:** در مدینه، نزدیک کوه دُباب، چاهی ویژه اغوات بوده است.<sup>۱۲</sup> دو چاه دیگر نیز یکی در مجرای

۶. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۶۳.  
 ۷. روزنامه عکاظ، الجمعة ۱۳/۴/۱۴۲۲ق، ۱۸ مارس ۲۰۱۱م، العدد: ۳۵۶۱.  
 ۸. مدینه‌شناسی، ص ۱۰۲؛ تاریخ معالم المدینه، ص ۷۱.  
 ۹. تاریخ معالم المدینه، ص ۷۱.  
 ۱۰. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۱۹۲، «سفرنامه محمد حسین فراهانی»؛ تاریخ عمارة المسجدالحرام، ص ۱۸۳.  
 ۱۱. تحصیل المرام، ج ۱، ص ۲۸۳، ۴۰۲-۴۰۳؛ سفرنامه مکه معظمه، ص ۱۴۱.  
 ۱۲. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۱۹-۲۰.

داشتند و از این رو، با برخورد‌های نامناسب روبه‌رو می‌شدند. بدین سبب، برخی از ایرانیان خود را غیر ایرانی یا سنی وانمود می‌کردند تا از لطف اغوات بهره‌مند شوند.<sup>۷</sup> ایرانیان معمولاً به مراسم مذهبی توجیهی ویژه داشته‌اند و مجری بیشتر مراسم حرمین نیز اغوات بوده‌اند.<sup>۸</sup> از این رو، درباره برخورد آنان با ایرانیان بسیار گزارش شده است.

بیشتر آگاهی‌های ما از رفتار اغوات با حج‌گزاران ایرانی، از سفرنامه‌های حج ایرانیان مانند *تذکره الطریق*، *سفرنامه حاج سلیم خان تکابلی* و *سفرنامه فرهاد میرزا* برگرفته شده است. در این سفرنامه‌ها، از آزار و سخت‌گیری بیش از حد اغوات در حق ایرانیان یاد شده است.<sup>۹</sup> برای مثال، اغوات در مسجدالحرام شماری از حج‌گزاران ایرانی را به بهانه‌های واهی زدند و اموالشان را غارت کردند و کفش‌های آنان را ربودند و اگر کسی کفش خود را می‌خواست، دیگر بار او را می‌زدند.<sup>۱۰</sup> نیز به بهانه عبور ایرانیان در میان

سیل العقیق<sup>۱</sup> و دیگری در صحن مسجد نبوی، مشهور به چاه حضرت زهرا علیها السلام مخصوص آنان وجود داشته است.<sup>۲</sup>

### ۷. حارة الاغوات: حارة الاغوات

محل‌ای در مکه و مدینه بوده که برای اغوات وقف کرده بودند<sup>۳</sup> و ایشان در آن می‌زیستند.<sup>۴</sup> بخشی از این محل به اثر گسترش‌های آل سعود از میان رفته است.<sup>۵</sup>

### ۸. اغوات و زائران ایرانی: گویا

برخورد اغوات با حاجیان در هر دوره بر پایه روش و مذهب حکمرانان شهر متفاوت بوده است. نخستین گزارش از خادمان حرم که هم‌زمان با حکومت شیعی آل سنان بر مدینه است، نشان از وجود گرایش‌های شیعی در اغوات دارد. بر پایه این گزارش، شخصی به سبب گفتن «الصلاة خیر من النوم»، با ضرب و شتم یکی از اغوات روبه‌رو می‌شود.<sup>۶</sup> پس از روی کار آمدن حکومت‌های سنی، اغوات نیز به سنی‌مذهبان متعصب بدل شدند. حج‌گزاران ایرانی افزون بر عجم بودن، مذهب تشیع نیز

۷. تذکره الطریق، ص ۱۲۴، ۱۳۶؛ سفرنامه حاج سلیم خان تکابلی،

ص ۷۳.

۸. سفرنامه اعتماد السلطنه، ص ۱۰۹؛ تاریخ حجگزاری ایرانیان، ص ۲۵۶-۲۵۸.

۹. پنجاه سفرنامه، ج ۲، ص ۴۴۲؛ ج ۷، ص ۳۳۴. «سفرنامه میرزا علی اصفهانی».

۱۰. سفرنامه مکه (دو سفرنامه)، ص ۳۶-۳۷؛ تاریخ حجگزاری ایرانیان، ص ۲۵۶.

۱. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۲۶.

۲. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۶۲-۶۳؛ پنجاه سفرنامه، ج ۳، ص ۲۱۹. «سفرنامه فرهاد میرزا».

۳. نصیحة المشاور، ص ۵۰-۶۴؛ رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۷۱؛ مخصصات الحرمین، ص ۳۲۰.

۴. رسائل فی تاریخ المدینه، ص ۴۶-۴۷.

۵. التاريخ الشامل، ج ۳، ص ۲۷۱؛ حارة الاغوات، ص ۱۶-۱۸.

۶. تاریخ دمشق، ج ۱۱، ص ۱۰۴-۱۰۵.

صفوف نماز جماعت، آنان را می‌آزردند.<sup>۱</sup> در برخی سال‌ها، رخدادهایی مایه خشونت بیشتری می‌شد. برای مثال، در سالی شایع شد که شخصی ایرانی با نجاست قبر شیخین را آلوده است. به همین سبب، اغوات، حاجیان ایرانی را با چوب زدند و ورود آن‌ها را به مسجدالنبی ممنوع کردند.<sup>۲</sup>

ایرانیان برای در امان ماندن از آزار اغوات، به آنان مبالغی می‌پرداختند. به ایرانیان تأکید می‌شد که دست‌کم یک قران یا قروش به اغوات بدهند تا حرمت خویش را نگاه دارند.<sup>۳</sup> گاه اغوات اشیایی گرانبها مانند انگشتر و ساعت نزد حاجیان ایرانی می‌دیدند و آن را طلب می‌کردند و اگر به هدف خود نمی‌رسیدند، به بهانه‌ای حاجی را می‌زدند.<sup>۴</sup>

سکوت یا باج دادن ایرانیان به اغوات همیشگی نبود و گاه پادرمیانی کنسول ایران، آنان را از ستم باز می‌داشت. در این حال، کنسول با حکمران و پاشای مکه یا مدینه رایزنی و طلب قصاص و رد مال می‌کرد. در گزارش‌هایی، تنبیه و حبس اغوات به دست اشراف مانند شریف عون به سبب آزار ایرانیان

آمده است.<sup>۵</sup> در اواخر سده ۱۳ق. اغوات برای گرفتن باج، به بهانه‌های گوناگون بر ایرانیان بسیار سخت گرفتند تا آن‌جا که حتی بعضی بزرگان را با چوب زدند. میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار با دیدن این اوضاع مقرر کرد هر ایرانی ۶۰۰۰ دینار ایرانی به مطوف و مزور بدهد. اغوات و مطوفان این مبلغ را میان خود قسمت می‌کردند و از آن پس هیچ کس با حاجیان ایرانی بدرفتاری نمی‌کرد و ایرانیان بی‌مزاومت می‌توانستند اعمال خود را بر پایه مذهب شیعه انجام دهند. اشراف و بزرگان ایرانی بیشتر از مبلغ تعیین شده می‌پرداختند و جز گروهی اندک، همه ایرانیان آن مبلغ را می‌دادند یا این پول به زور از آن‌ها گرفته می‌شد.<sup>۶</sup>

ایرانیان به سبب خدمت اغوات در حریم شریفین، به آن‌ها احترام می‌نهادند و محبت می‌کردند.<sup>۷</sup> بدرفتاری اغوات نیز همیشگی نبود. آنان از سران حکومتی ایران به بهترین شیوه استقبال و ایشان را در ادای نیکوی حج یاری می‌کردند و در مراسم ویژه مانند افرودختن چراغ روضه نبوی، شرکت می‌دادند.<sup>۸</sup> از سخن حسام السلطنه (م. ۱۳۰۰ق.)

۵. سفرنامه مکه (دو سفرنامه)، ص ۳۸-۳۹.

۶. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۲۳۶. «سفرنامه حسین فراهانی».

۷. سفرنامه مکه حسام السلطنه، ص ۱۵۲؛ پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۴۹۸. «سفرنامه نائب‌الصدر شیرازی».

۸. سفرنامه مکه حسام السلطنه، ص ۱۰۷-۱۰۸، ۱۵۷.

۱. سفرنامه مکه (دو سفرنامه)، ص ۳۶.

۲. به سوی ام‌القری، ص ۲۴۹.

۳. تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، ص ۲۵۶.

۴. پنجاه سفرنامه، ج ۲، ص ۴۴۲. «حج منصور».



فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش عبدالکریم، مکه، احیاء التراث الاسلامی؛ اتحاف فضلاء الزمن: محمد بن علی الطبری (م. ۱۱۷۲ق.)، به کوشش محسن محمد، قاهره، دار الکتب الجامعی؛ الاخبار الغریبه: سید جعفر بن سید حسین هاشم (م. ۱۳۴۲ق.)، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۴۱۳ق؛ امارة الحج فی مصر العثمانیه: سمیرة فهمی علی عمر، الهیئة المصریة العامة للكتاب، ۲۰۰۱م؛ بدائع الزهور فی وقایع الدهور: محمد بن احمد ایاس، به کوشش محمد مصطفی، قاهره، الهیئة المصریة للكتاب، ۱۴۰۲ق؛ به سوی ام القری: رسول جعفریان، مشعر، ۱۳۷۳ش؛ پنجاه سفرنامه حج قاجاری: به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش گروهی از محققان، دار الهدایه، ۱۴۰۹ق؛ تاریخ حج گزارى ایرانیان: اسراء دوغان، مشعر، ۱۳۸۹ش؛ التاريخ الشامل للمدينة المنورة: عبدالباسط بدر، المدینه، ۱۴۱۴ق؛ التاريخ القویم: محمد طاهر الکردی، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۰ق؛ تاریخ الکعبة المعظمة عمارتها و کسوتها و سدانتها: حسین عبدالله باسلامه، به کوشش یحیی حمزه، مکتبه الثقافة الدینیة، ۱۴۲۰ق؛ تاریخ عمارة المسجد الحرام: حسین عبدالله باسلامه، جده، تهامه، ۱۴۰۰ق؛ تاریخ مدینة دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ معالم المدینة المنورة: احمد یاسین الخیار (م. ۱۳۸۰ش.)، به کوشش عبیدالله محمد، دار العلم، ۱۴۱۲ق؛ تحصیل المرام: محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، ۱۴۲۴ق؛ التحفة اللطیفة فی تاریخ المدینه: شمس الدین السخاوی (م. ۹۰۲ق.)، قاهره، دار الثقافة،

برمی آید که رفتار اغوات بسته به هدایا و احترام نهادن به آنها دگرگون می شده و در صورت ناخشنودی، با نهایت درستی با حاجیان رفتار می کرده اند.<sup>۱</sup> از این رو، آنها معمولاً با دانشوران، بزرگان و توانگران رفتاری نیکو داشته اند. برای مثال، عبدالحسین خان افشار از شیخ اغوات مسجدالحرام برای سهولت ادای طواف یاری خواست و شیخ دو آغا را با او همراه کرد و عبدالحسین خان ناچار نشد که در برخی اعمال تقیه کند. به گفته او<sup>۲</sup> در برخورد با خادمان حرم، هر کس مال خود را ذلیل کند، عزت خود را حفظ کرده است.<sup>۳</sup> در دوران قاجاریه، آن گاه که اشراف و بزرگان ایران در مدینه حضور داشتند، اغوات شبها درهای حرم نبوی را نمی بستند.<sup>۴</sup> به سال ۱۳۵۸ش. نیز اغوات مدینه به احترام آیت الله شیرازی که در آن سال به مدینه سفر کرده بود، درهای مسجد نبوی را تا صبح برای زائران باز نهادند.<sup>۵</sup>

### ◀ منابع

آثار اسلامی مکه و مدینه: رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ اتحاف الوری: عمر بن محمد

۱. سفرنامه مکه حسام السلطنه، ص ۱۱۷.

۲. سفرنامه مکه معظمه، ص ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۶.

۳. سفرنامه مکه معظمه، ص ۱۴۴.

۴. پنجاه سفرنامه، ج ۳، ص ۱۹۳، «سفرنامه فرهاد میرزا».

۵. خاطرات حج محمد عظیمی، ص ۳۳.

١٣٩٩ق؛ تحفة المحبين و الاصحاب: عبدالرحمن الانصاري (م.١٩٥٠ق.)، به كوشش العروبيسي، تونس، المكتبة العتيقه؛ تذكرة الطريقت: حافظ محمد عبدالحسين كربلايي (م.١٣ق.)، به كوشش جعفران، قم، مورخ، ١٣٨٦ش؛ حارة الاغوات: عاصم حمدان، على حمدان، جده، دار القبلة، ١٤١٣ق؛ خاطرات حج محمد عظيمي: مؤسسه مطبوعاتي دهخدا، ١٣٦٣ش؛ الدرّة الثمينّة في اخبار المدينة: محمد بن محمود النجار (م.١٣٦٣ق.)، به كوشش صلاح الدين، مركز بحوث و دراسات المدينة، ١٤٢٧ق؛ رحلة ابن بطوطه: ابن بطوطه (م.٧٧٩ق.)، به كوشش الكتاني، بيروت، الرساله، ١٤٠٥ق؛ رحلة ابن جبير: محمد بن احمد (م.١٤٠٦ق.)، بيروت، دار مكتبة الهلال، ١٩٨٦م؛ الرحلة الحجازيه: محمد اللبيب البتوني (م.١٣٢٩ق.)، مصر، المطبعة الجماليه؛ الرحلة الهندية الى الجزيرة العربية (١٢٠١ق.): رفيع الدين المرادآبادي، ترجمه: سمير عبدالحميد، قاهره، المجلس الاعلى للثقافه، ٢٠٠٤م؛ رسائل في تاريخ المدينة: حمد الجاسر، رياض، دار اليمامه؛ سفرنامه حاج سليم خان تكابى: به كوشش جعفران، قم، مورخ، ١٣٨٨ش؛ سفرنامه حاج عليخان اعتماد السلطنه: به كوشش قاضي عسكر، تهران، مشعر، ١٣٨٤ش؛ سفرنامه حجاز: عبدالماجد الدرايادي، ترجمه: سمير عبدالحميد ابراهيم، الجزيره - قاهره، المجلس الاعلى للثقافه، ٢٠٠٤م؛ سفرنامه سيف الدوله: سيف الدوله سلطان محمد، به كوشش خداپرست، نشر ني، ١٣٦٤ش؛ سفرنامه مكه (دو سفرنامه سال هاي ١٢٦٠ و ١٢٩٩): به كوشش جعفران، دليل ما، ١٣٨٤ش؛ سفرنامه مكه حسام السلطنه: به كوشش جعفران، مشعر، ١٣٧٤ش؛ سفرنامه مكه معظمه: ميرزا عبدالحسين خان افشار، به كوشش جعفران،

علم، چاپخانه چاوشگران؛ السلوك لمعرفة دول الملوك: المقريزي (م.٨٤٥ق.)، به كوشش عبدالقادر، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ صبح الاعشى: احمد بن علي القلقشندي (م.٨٢١ق.)، به كوشش زكار، دمشق، وزارة الثقافه، ١٩٨١م؛ صفحات من تاريخ مكة المكرمه: هورخرونيه سنوك، ترجمه: السرياني و معراج نواب، داره الملك عبدالعزيز، ١٤١٩ق؛ صور من الحياة الاجتماعية بالمدينة المنوره: ياسين احمد ياسين الخياري (م.١٤١٥ق.)، اداره التحفيظ العمراني بهيئه المملكة المدينة المنوره؛ الضوء اللامع لاهل القرن التاسع: شمس الدين السخاوي (م.٩٠٢ق.)، بيروت، مكتبة الحياة؛ لغتنامه: دهخدا (م.١٣٣٤ش.) و ديگران، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ١٣٧٣ش؛ ماهنامه آينده: محمود افشار يزدي؛ مجلة اليمامه: رياض، مؤسس: حمد الجاسر؛ مخصصات الحرمين الشريفين: السيد محمد علي فهيم بيومي، دار القاهرة للكتاب، ١٤٢١ق؛ المدينة المنورة في العصر المملوكي: عبدالرحمن المدبر، رياض، مركز الملك فيصل، ١٤٢٢ق؛ المدينة المنورة في مئة مخطوطات: مصطفى عمار، المدينة، ١٤٢٠ق؛ مدينه شناسي: سيد محمد باقر نجفي، ١٣٦٤ش؛ المسجد النبوي الشريف في العصر العثماني: محمد هزاع الشهري، دار القاهرة، ٢٠٠٣م؛ المعجم الوسيط: ابراهيم انيس و ديگران، تهران، فرهنگ اسلامي، ١٣٧٥ش؛ مقتطفات من رحلة العياشي: عبدالله بن محمد العياشي (م.١٠٩٠ق.)، دار الرفاعي؛ منائح الكرم في اخبار مكه: علي بن تاج الدين السنجاري (م.١١٢٥ق.)، مكه، جامعة ام القرى، ١٤١٩ق؛ موسوعة مرآة الحرمين الشريفين: ايوب صبري پاشا (م.١٢٩٠ق.)، قاهره، دار الأفاق العربيه، ١٤٢٤ق؛ ميقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه

چهاردهم ق. است. وی به سال ۱۲۹۰<sup>۱</sup> یا ۱۲۹۱ ق.<sup>۲</sup> در مکه زاده شد. پدرش از درجه داران ارتش هند بود که ضد استعمار انگلیس مبارزه کرد. وی برای حج عازم مکه شد و در منطقه‌ای به نام جبل هندی در مکه اقامت گزید و بر اثر حضورش در یکی از نبردها، از دولت عثمانی لقب غازی گرفت.<sup>۳</sup>

عبدالله دانش‌های گوناگون مانند فقه، حدیث، تفسیر و حساب را در مکه آموخت. وی نخستین آموزش‌ها را در مدرسه صولتیه نزد استادانی چون شیخ عبدالسبحان بن شیخ خادم و شیخ حضرت نور افغانی (م. ۱۳۲۱ ق.) فراگرفت و کنار آن در حلقات درس استادان مسجد الحرام از جمله شیخ تفضل الحق الخياط المرشد آبادی (م. ۱۳۳۸ ق.) حضور یافت.<sup>۴</sup> وی بیش از هر چیز در حدیث و تاریخ مهارت یافت و از مشایخ بزرگ حدیث فراوان بهره برد<sup>۵</sup> و اجازه گزارش حدیث گرفت<sup>۶</sup> تا آنجا که به سبب گزارش روایت‌های فراوان از محدثان و مهارت در دانش حدیث، به او لقب «مسند» دادند.<sup>۷</sup> او در معرفی استادان خود،

۱. معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۱۳۵؛ الاعلام، ج ۴، ص ۱۳۴.

۲. التاريخ القويم، ج ۱، ص ۲۲.

۳. افادة الانام، ص ۱۰، «مقدمه محقق».

۴. نشر الريحان، ج ۱، ص ۳۱۰؛ اعلام المکین، ج ۲، ص ۷۰۴.

۵. افادة الانام، ص ۱۸-۲۵، «مقدمه محقق».

۶. اعلام المکین، ج ۲، ص ۷۰۴.

۷. العلماء و الادباء، ص ۱۱۹-۱۲۱.

نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ نزهة الناظرین فی تاریخ مسجد سید الاولین و الآخرین: جعفر بن اسماعیل المدنی، به کوشش احمد سعید، مدینه، مکتبه بن مسلم - قاهره، مکتبه الرفاعی؛ نصیحة المشاور: ابن فرحون (م. ۷۶۹ ق.)، به کوشش علی عمر، قاهره، مکتبه الثقافة الدینیة، ۱۴۲۷ ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ ق.)، به کوشش السامرائی، مؤسسة الفرقان، ۱۴۲۲ ق.

سید مجتبی حسینی



### إفادة الأنام...: کتابی پربزرگی در سیاست، تاریخ، جغرافیا و فرهنگ مکه، نوشته عبدالله بن محمد غازی (م. ۱۳۶۵ ق.)

نام کامل این کتاب *إفادة الانام بذكر أخبار بلد الله الحرام مع تعلیقة المسمى باتمام الکلام* است که آگاهی‌هایی پرشمار در تاریخ محلی مکه، به ویژه تاریخ سیاسی این شهر، در بر دارد. گزارش‌های گسترده و دقیق نویسنده از دوران خود که مشتمل بر آگاهی‌های سیاسی اواخر سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم ق. و رویدادهایی مانند فروپاشی دولت عثمانی و روی کار آمدن دولت سعودی است، از آگاهی‌های مهم این کتاب شمرده می‌شود.

عبدالله از دانشمندان حنفی سده